اخبار

دستور رئیس قوه‌قضائیه برای برخورد با مدیران مقصر در حوادث اخیر



رئیس قوه‌قضائیه در واکنش به گزارش برخی اعضای شـورای عالی قوه‌قضائیه درباره حوادث اخیر کشـور گفت: مدیری که مسؤولیت دارد باید پاسخگو باشد و مورد مواخذه قرار بگیرد. نمی‌توانیم همیشه منفعلانه برخورد کنیم تا باز هم یک مورد مشـابه سـاختمان پلاسکو شکل بگیرد. در زمینه حوادث مختلفی که در این مدت داشتیم و همه را اسم نمی‌آورم، باید عوامل را شناسـایی کنیم که آیا پیش‌بینی لازم، پیشگیری لازم و اقدام لازم را کرده‌اند؟

بـه گـزارش «وطن امروز» به نقـل از قوه‌قضائیه، آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی افزود: من این را به سازمان بازرسی، سـازمان قضایی نیروهای مسلح و دادستان تهران هم گفته‌ام که سیاست دستگاه قضایی پیگیری و مواخذه مدیری اسـت که مسؤولیت قانونی و شرعی دارد که ببینیـم کار را در زمان خودش انجام داده یا نه؛ اگر نه هر روز باید به ما یک گزارش بدهند که این اتفاقات افتاد. باید نسبت به این قصور یا تقصیر بویژه ترک فعل‌ها حساس بود، چرا که ما مواردی داریم که ترک فعل‌ها قابل پیگیری قانونی است و بسیاری از ترک فعل‌ها خسـارتش از فعل‌ها بیشتر است. مردم انتظار دارند هر کس نسبت به مسؤولیتش پاسخگو باشد.

رئیـس قوه‌قضائیه در بخش دیگـری از اظهاراتش گفت: آنچه این روزها موجب رنجش مردم شده، عدم مدیریت بازار، عدم مدیریت قیمت‌ها و نوسـانات بازار اسـت اما این اولین کار دشمن نیسـت و بارها دیده شـده دشـمن از طریق اخلال در نظام ارزی و پولی کشـور به دنبال دشمنی کردن است. آیت‌الله رئیسی افزود: برخی راه‌حل این مسأله را در مذاکره با آمریکا و اروپا می‌دیدند که البته برای همگان روشـن شد راه نادرسـتی است و باید به دستان پرتوان مردان و زنان این کشـور دل بست. هیچ مشـکلی نداریم الا اینکه راهکار آن در درون کشـور وجـود دارد و این همان اصلی است که رهبر حکیم انقلاب در همه این سال‌ها بر آن تاکید داشتند. آیت‌الله رئیسی لازمه برون‌رفت از این شرایط و ایجاد ثبات اقتصادی در بازار را فعالیت جهادی دانست و ادامه داد: این شرایط تلاش جدی و سریع را می‌طلبد. وجود طرح‌هایی برای برون‌رفت از شرایط فعلی اقتصادی یک ضرورت است و تبیین این طرح‌ها برای مردم از ضرورت‌های بعدی است. آیت‌الله رئیسی یکی دیگر از ضرورت‌های عبور از شرایط خاص اقتصادی را نیز برخورد با تخلف برخی واردکنندگان و صادرکنندگان دانست و گفت: واردکننده یا صادرکننده متخلف فرقی نمی‌کند؛ هم برخورد با آنها و هم افشای نام آنها یک ضرورت است که مسؤولان بانک مرکزی باید آن را دنبال کنند. مسـؤولان بانک مرکزی اعلام کردند دنبال معرفی صادرکنندگان متخلف هستند اما من معتقدم واردکننده‌ای که ارز دریافت کرده و کالا وارد نکرده هم باید معرفی شود.

انتقاد نمایندگان عراقی از عملکرد دولت درباره ترور فرماندهان مقاومت

فراکسیون صادقون در پارلمان عراق از عدم اتخاذ اقدامات قانونی توسـط دولت این کشـور در رابطه با ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس انتقاد کرد. به گزارش ایسـنا به نقل از المعلومه، محمود الربیعی، سـخنگوی دفتر سیاسی فراکسـیون «صادقون» در پارلمان عراق وابسته به جنبش عصائب اهل‌الحق در صفحه توئیتر خود نوشت: آمریکا جنایت‌های بزرگی در عراق مرتکب شد و آخرین جنایت آنها ترور فرمانده شهید ابومهدی المهندس و میهمان عراق ژنرال شهید قاسم سلیمانی است. وی در ادامه این سوال را مطرح کـرد که چـرا مقامات عراقی وظیفه رسـمی خود را انجام نمی‌دهند و شـکایت رسمی علیه دولت ترامپ تدوین نمی‌کنند؟ الربیعی نوشت: شنیدیم که اقدامات قانونی اتخاذ کردید؛ ای قوه‌قضائیه و ای دولت عراق! این اقدامات به کجا رسید؟ سکوت شما را نمی‌پذیریم.

شبیه‌ساز هواپیمای ترابری «ایلیوشین» رونمایی شد

آیـین رونمایـی از شبیه‌سـاز هواپیمـای ترابری «ایلیوشـین» صبح دیروز با حضور جانشین فرمانده کل ارتش برگزار شـد. به گزارش «وطن امروز»، طی مراسـمی که با حضور امیر سـرتیپ محمدحسـین دادرس، جانشـین فرمانده کل ارتـش و امیر خلبان عزیز نصیرزاده، فرمانده نیروی هوایی ارتش در ستاد این نیرو برگزار شـد، از شبیه‌سـاز هواپیمای ترابری ایلیوشین رونمایی شد.

جانشـین فرمانـده کل ارتش با اشـاره به تلاش کارکنـان نیروی هوایی ارتش برای ارتقای توانمندی دفاعی کشور، اظهار کرد: زندگی خلبانان امروز نشان از تعهد و تدینی دارد که در مشـاغل دیگر کمتر آن را سراغ داریم.

امیـر دادرس بـا تاکیـد بـر اینکـه توانمندی و دسـتاوردهای امروز کشور بسـیار ارزشمند است، از رونمایـی از تجهیزات جدیـد در نیروی هوایی ارتش طی روزهای آتی خبر داد و گفت: سـاخت شبیه‌ساز هواپیمای ایلوشـین کاری بسـیار بزرگ است، البته کارهای بسـیار بزرگی در نیروی هوایی انجام شـده که می‌توان به سـاخت موتور جت اشـاره کرد که در جهان اسلام کسی نتوانست بسازد. ساخت هواپیمای صددرصد ایرانی از جمله دیگر دستاوردهاسـت؛ این پیشرفت‌ها در مقابل تحریم‌های دشمنان، فشار تحریم را کاهش می‌دهد.

قدردانی حماس از پیام رهبر انقلاب



یکی از رهبران جنبش حماس گفت: پیام آیت‌الله خامنه‌ای نشان‌دهنده حمایت راهبردی از ملت فلسطین و تداوم حمایت‌ها از مسأله فلسطین است. اسماعیل رضوان خاطرنشان کرد: از پیام رهبر انقلاب اسلامی ایران تقدیر می‌کنیم و به مسیر مقاومت خود تا شکست پروژه الحاق ادامه می‌دهیم. وی افزود: پروژه الحاق محقق نخواهد شد و تمام گزینه‌ها در مقابل محور مقاومت قرار دارد.

بررسی ابعاد پاسخ رهبر انقلاب به اسماعیل هنیه در گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با دکتر مسعود اسداللهی، کارشناس و تحلیلگر مسائل خاورمیانه

راهبری مقاومت



محور اصلی پیام رهبر حکیم انقلاب به اسماعیل هنیه که روز گذشته از سوی شبکه خبری المیادین منتشر شد، تاکید بر «ادامه حمایت‌های جمهوری اسلامی از مردم فلسطین» است. اگرچه ایستادگی بر آرمان آزادی قدس شریف همیشه یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی بوده است اما نیم‌نگاهی به شرایط جدید و تحولات ویژه منطقه در چند ماه اخیر، ارزش استراتژیک این نامه مقام معظم رهبری را روشن می‌کند. روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و همچنین الحاق بخشی از کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی از جنجالی‌ترین خبرهای چندماه اخیر در حوزه مسائل فلسطین بوده است. دی ماه سال قبل بود که وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با شبکه ۱۳ رژیم صهیونیستی اظهار داشت این رژیم قصد دارد در چارچوب روابط جدیدی با سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، به اهداف توسعه سیاسی خود و عادی‌سازی روابط با اعراب دست پیدا کند. بعد از این اظهارنظر پروژه عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی سرعت بیشتری به خود گرفت و امارات از بین کشورهای عربی، پیشتاز این عادی‌سازی شد. از سوی دیگر دولت جدید رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود طرح خود را برای اجرای «برنامه صلح» دونالد ترامپ در اول ژوئیه (۱۱ تیرماه) آغاز می‌کند. با این حال پیش از رسیدن این موعد مقامات اسرائیلی اعلام کردند اجرای این طرح به تعویق می‌افتد اما در آینده نزدیک اجرایی خواهد شد. این طرح به تل‌آویو چراغ سبز می‌دهد تا بخش‌های بزرگی از کرانه باختری، بویژه دره اردن را که این رژیم در سال ۱۹۶۷ اشغال کرد، ضمیمه مناطق اشغالی کند. این در حالی است که فلسطینی‌ها کاملا مخالف چنین الحاقی هستند و سازمان ملل نیز هشدار می‌دهد برنامه‌های صهیونیست‌ها ممکن است به بروز خشونت‌های جدید منجر شود. طرح صلح ترامپ که به «معامله قرن» معرفی شده، چند ماه پیش منتشر و موجب خشم فلسطینیان و رد آن از سوی جامعه بین‌المللی شد. در این طرح، رژیم صهیونیستی مجاز می‌شود شهرک‌های کرانه باختری و منطقه راهبردی دره اردن را به سرزمین‌های اشغالی الحاق کند.

دکتر مسعود اسداللهی، تحلیلگر و کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با «وطن امروز»، به تشریح بیشتر ابعاد پیام مقام معظم رهبری به اسماعیل هنیه پرداخت. متن این گفت‌وگو که به صورت یادداشت تنظیم شده است، در ادامه می‌آید.

پیام مقام معظم رهبری به اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس حاوی نکات بسیار حائز اهمیتی بود. از ابتدای این نامه چنین بر می‌آید که اسماعیل هنیه در پیام جداگانه‌ای به رهبر معظم انقلاب، گزارش مفصلی از وضعیت فلسطین را به ایشان ارائه کرده است. همین موضوع در ابتدای امر نشان‌دهنده جایگاه مهم جمهوری اسلامی در تحولات خاورمیانه و دست برتر ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای اسـت. مقام معظم رهبری در پاسخ به پیام اسماعیل هنیه، تاکید می‌فرمایند این پیام را به دقت مطالعه کرده‌اند که همین نشـان می‌دهد ما با رد و بدل یکسری نامه و پیغام عادی مواجه نیستیم، بلکه مسأله فراتر از این حرف‌هاست.

اگر امروز در اوضاع مسـأله فلسطین دقت کنیم، متوجه می‌شویم فلسطین در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ خود قرار دارد. بحث معامله قرن به صورت عام و مسأله الحاق کرانه باختری به رژیم صهیونیستی، ۲ تحول خطرناکی است که در منطقه از سوی آمریکا، اسرائیل و متحدان‌شان در حال پیگیری است. اگر چه کل کرانه باختری هم اکنون در عمل در اشغال رژیم صهیونیستی است اما اسرائیلی‌ها قصد دارند بدون توجه به مرزهای ۱۹۶۷ این مناطق را رسما به سرزمین‌های اشغالی الحاق کنند.

صهیونیست‌ها بعد از روی کار آمدن ترامپ، با جسارت و گستاخی بیشتری اهداف خبیث خود را پیگیری کردند. به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت دولت جعلی اسرائیل از سوی ترامپ، یکی از نمونه‌های حمایت ترامپ از صهیونیست‌هاست که منجر به گستاخی بیشتر آنان شد.

با این وجود باید اذعان کرد طرح الحاق کرانه باختری در خود آمریکا هم مخالفانی دارد. مسأله اینجاست که قرار بوده طرح الحاق کرانه باختری طی یک روند مذاکرات فلسطینی- اسرائیلی تحقق پیدا کند تا به این صورت یک وجهه حقوقی و قانونی به این مسـأله داده شود. با این وجود دولت جعلی اسرائیل و شخص نتانیاهو چنان وقیح و توسعه‌طلب هستند کـه حتی به این موضوع هم اکتفا نکـرده و اعلام کردند به صورت یکجانبه قصد عملی کردن این پروژه را دارند و حاضر به مذاکره با فلسطینی‌ها نیستند.

طرح الحـاق کرانه باختری چنان مفتضحانه اسـت که حکومت خودگردان هم رضایتی به عملی شـدن آن ندارد. اعلام یکجانبه نتانیاهو مبنی بر قصد رژیم صهیونیستی برای الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی تنش‌های جدیدی را چه در سطح روابط آمریکا و اسرائیل و چه در سطح منطقه و سیاست‌های دولت‌های عربی ایجاد کرده است. هم اکنون ترامپ در صحنه سیاست داخلی تحت فشار شدید قرار دارد. ۲ موضوع برخوردهای نژادپرستانه و مدیریت کرونا، دولت ترامپ را در عرصه سیاست داخلی با بحران مواجه کرده است. با توجه به نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، ترامپ نیازمند یک پیروزی در عرصه سیاست خارجی است. با در نظر گرفتن این شرایط، تلاش رژیم صهیونیستی برای الحاق کرانه باختری سیاست خارجی آمریکا را هم دچار چالش می‌کند، چرا که این اقدام برای همپیمانان عرب آمریکا در منطقه تنش ایجاد می‌کند. آنقدر مسأله الحاق کرانه باختری از جهات گوناگون برای حیثیت جهان عرب مهم است که سعودی هم مجبور می‌شود در ظاهر این اقدام را محکوم کند، اگر چه در ورای پرده سیاسـت، همکاری‌های دوجانبه‌ای بین رژیم سعوی و رژیم صهیونیستی وجود دارد.

به این باید توجه داشـت که سعودی، امارات و بحرین و برخی دیگر از کشورهای عربی در چند مدت اخیر بشدت به دنبال عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی بوده‌اند اما طرح الحاق کرانه باختری آنان را برای به سـرانجام رساندن پروژه عادی‌سـازی روابط با اسرائیل با چالش افکار عمومی مردم مسلمان منطقه مواجه کرده است.

با تمام این اوصاف نتانیاهو حتی حاضر به دادن کوچک‌ترین امتیازی به دولت‌های عربی منطقه نیست و همچنان طرح الحاق را با جدیت دنبال می‌کند و از طرف دیگر دولت‌های عربی هم پروژه عادی‌سـازی روابط خود با اسـرائیل را ادامه می‌دهند، همین موضوع باعث خواهد شد در افکار عمومی ملل مسلمان منطقه دوگانه «سازشکاران/ جبهه مقاومت» بخوبی متمایز شود و سازشکاران حیثیت و وجهه خود را در پیشگاه توده‌های مسلمان از دست بدهند.

■ راهکار عملیاتی رهبر انقلاب

محور دیگری که در پیام مقام معظم رهبری مورد تاکید قرار گرفته اسـت، «راهکار عملیاتی» در شرایط فعلی است. مقـام معظم رهبری در این پیـام تاکید کردند برای خنثی شدن توطئه‌های دشمن و دفع شر رژیم صهیونیستی، تنها گزینه‌ای که در برابر مسلمانان است، گزینه «مقاومت» است. رهبر انقلاب در این پیام به توفیق‌های جبهه مقاومت اشاره کرده و بیان می‌دارند خداوند را بابت کسـب این توفیقات و پیروزی‌ها شکرگزاری می‌کنند. باید اذعان کرد جبهه مقاومت در یک روند چندساله روزبه‌روز از قدرت بیشتری برخوردار شده است. این قدرت به گونه‌ای رشد یافته که رژیم صهیونیستی دیگر در حمله به غزه با تردیدهای جدی مواجه می‌شود و از بروز جنگ جدید با حماس واهمه دارد. این را باید بگذارید در کنار متمایز شدن بیش از پیش مرزهای جبهه مقاومت و جبهه سازشکاران و همراهی قلوب مسلمانان منطقه با جبهه مقاومت.

نکته دیگری که در پیام مقام معظم رهبری است تاکید بر وحدت فلسطینی‌هاست. برای اولین‌بار در تاریخ، جنبش فتح [تشکیلات خودگردان] به جنبش‌های مقاومت نزدیک شـده‌اند و این یک فرصت ویژه و اسـتراتژیک است. آنقدر توطئه الحاق کرانه باختری خطرناک اسـت که اگر اجرایی شود تشکیلات خودگردان از بین خواهد رفت. ابومازن، رئیس تشکیلات خودگردان تا این لحظه به‌رغم همه فشارها، حاضر نشده است طرح الحاق را بپذیرد، بلکه برعکس مواضعش به حماس نزدیک‌تر شده است. در دهه‌های اخیر این اولین‌بار است که شاهد نزدیکی مواضع تشکیلات خودگردان و جنبش حماس هستیم؛ مسأله‌ای که مصداق همان ضرب‌المثل معروف شده است که «عدو شود سبب خیر». درست است که توطئه طرح الحاق مسأله مهم و بزرگی است اما برکاتی هم داشته؛ هم منجر به وحدت بیش از پیش همه گروه‌های فلسطینی شـده و هم رژیم‌های خائن و سازشکار منطقه را رسوا کرده و هم شور و حرارت حمایت مسلمانان منطقه از فلسطین را افزایش داده است.

جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران چنان برجسته شده است که بخشی از فشارهای اقتصادی آمریکا برای درهم شکستن این جایگاه است. موفقیت ایران در حفظ وحدت و تمامیت ارضی عراق و جلوگیری از تجزیه آن و خنثی کردن اقدامات خطرناک جریانات تکفیری در منطقه تنها ۲ نمونه از مواردی اسـت که دست برتر ایران در منطقه را به وضوح نشان می‌دهد. ایران توطئه جریانی را در سوریه خنثی کرد که اگر این جریان قدرت را به دست می‌گرفت همه منطقه را تبدیل به جهنم می‌کرد. این جایگاه قدرتمند ایران برای آمریکا، اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه قابل تحمل نیست. آنها می‌خواهند جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم کنند. زمانی آمریکایی‌ها می‌گفتند به دنبال تغییر نظام هستند اما به مرور فهمیدند این نظام از چنان پایگاه مردمی و قدرتی برخوردار است که تغییر آن عملا نشدنی است. به همین خاطر است که از تغییر نظام به تغییر رفتار رسـیده‌اند و اعلام می‌کنند با سیاست فشار حداکثری علیه ایران، به دنبال تغییر رفتار جمهوری اسلامی هستند.

با این مقدمه باید اذعان کرد سیاست‌های منطقه‌ای ایران، گذشته از مسائل عقیدتی و انسانی با منافع ملی ما هم گره خورده است. به عنوان مثال امنیت کشور ما کاملا با امنیت عراق گره خورده است و هرگونه ناامنی در این کشور قابلیت این را دارد که به منافع امنیتی کشـور ما هم ضربه بزند. به عبارت دیگر، باید بگوییم رابطه ایران و گروه‌های مقاومت در منطقه یک رابطه دوسویه و متقابل است. همان‌طور که وقتی این گروه‌ها تحت فشـار هستند، حمایت‌های ایران موجب ایستادگی بهتر آنها در برابر تهدیدات می‌شود، زمانی هم که جمهوری اسلامی تحت فشار است، حمایت‌های آنان از ایران موجب کاهش فشار بر ایران خواهد شد.

هر کدام از این گروه‌های مقاومت در منطقه خود صاحب نفوذ و قدرت هسـتند. شـاید برخی رسـانه‌های خارجی و رسانه‌های ضدانقلاب تبلیغ کنند که این گروه‌ها قدرتی ندارند و حمایت از اینها هزینه‌بر است و فایده‌ای برای کشور ندارد، اما حقیقت اینگونه نیست. استراتژیست‌های غربی بخوبی می‌دانند این گروه‌ها از چه قدرتی برخوردارند و اتفاقا به خاطر علم به همین موضوع است که سعی دارند رابطه ایران با این گروه‌ها را تغییر دهند. گروه‌های مقاومت بازیگران قدرتمندی در عرصه منطقه هستند. هر مقدار جمهوری اسلامی برای حمایت از این گروه‌ها هزینه کرده، در برابر حجم خطراتی که از کشور دفع کرده اسـت، عددی به حساب نمی‌آید. اگر رابطه ایران با این گروه‌ها نبود، فشارهای اقتصادی و امنیتی، کشور را تا پرتگاه تجزیه پیش می‌برد.



چرا مواضع اخیر ظریف در دعوت به وحدت ملی مورد استقبال قرار نگرفت؟

کشتی شکسته‌ایدا!



صادق فرامرزی
روزنامه‌نگار

سخنان محمدجواد ظریف در اولین حضورش در صحن علنـی مجلس یازدهم، فارغ از همه بحث‌ها و حواشـی آن، سـخنانی قابل پیش‌بینی بود. آیا خوشـبین‌ترین منتقدان ظریـف هم انتظار کمی تواضع از وزیر امور خارجه پیرامون قبول کردن نتایج شکسـت‌خورده ایده‌هایش داشـتند؟ آیا بدبین‌تریـن طرفـداران ظریف هم در مخیلـه خود به این می‌اندیشیدند که ظریف می‌خواهد در برابر پیش‌بینی‌های ثابت شده منتقدان دیروزش ادبیات خود را تغییر دهد؟ آیا این ظن در کسی شکل گرفته بود که ظریف در سال پایانی دولت و در شرایطی که برجام جوانمرگ شده است می‌خواهد از آغاز راهی جدید سخن بگوید؟ پاسخ همه این پرسش‌ها را می‌توان با یک «نه» داد.

همه چیز همانگونه بود که انتظارش می‌رفت، حتی پیش از آغاز جلسه نیز می‌شد پیش‌بینی کرد که ظریف در مواجهه با سوالات، رویه قدیمی عصبانی کردن پرسشگران را پی بگیرد تا با واکنش و عصبانیت آنها بهارستان را ترک کند و خط قدیمی «معترضان خشمگین و وزیر خندان» را برای رسانه‌های همسو با خود فراهم کند. ظریف باز هم برجام را یک پیروزی خواند و این بار در سایه نبود شاهد مثالی از این پیروزی، اثبات شدنش را به تاریخ حواله داد. ظریف باز هم در مواجهه با هر انتقادی لیست تمجیدهایی را که رهبر حکیم انقلاب از وی داشته‌اند بازخوانی و سـعی کرد به این لیست، جلسه با سردار شهید قاسم سلیمانی را اضافه کند. ظریف باز هم همان حرف‌های همیشگی را زد و در جواب منتقدانی که سیاست گردش به غرب او را به باد انتقاد گرفته بودند، آنها را متهم کرد که غرب را قدرقدرت جهانی تصور می‌کنند! همه چیز مثل همیشه بود؛ تکراری، قابل پیش‌بینی و البته کمی کم‌اهمیت‌تر!

با همه اینها شاید بتوان عجیب‌ترین بخش سخنان وزیر امور خارجه را در جایی دیگر و درست در نقطه‌ای یافت که خطاب به نمایندگان مجلس گفت: «ما بدانید همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم، همه ما با هم هستیم. آمریکا لیبرال، اصلاح‌طلب، اصولگرا، انقلابی و غیرانقلابی نمی‌شناسد. رژیم صهیونیستی اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌شناسد، رژیم صهیونیستی با کل ایران مخالف است، با تمامیت ارضی ایران و جغرافیای ایران مخالف است».

آیا می‌توان با این بند از سـخنان ظریف مخالف بود؟ آیا می‌توان چشم بر این فرض بست و تصور کرد در لحظه صدور حکم هر تحریم جدید، مقامات آمریکایی سرنوشت مردم ایران را تفکیک‌شده در نظر می‌گیرند؟ آیا امکان آن هست که ترور ژنرال ایرانی را یک اقدام تروریستی آمریکا و محدود به یک نهاد و قشر بپنداریم؟ اجازه بدهید که پاسخ تمام این پرسش‌ها را هم با یک «نه» دیگر بدهیم و دفتری جدید باز کنیم.

۱ تعریف نسبت مفاهیم با واقعیت بیرونی، از نخستین بایسته‌هایی است که هر فرد پیش از ورود به عرصه حکم و حکمرانی باید به آن توجه کند. فطرت و سرشت آدمی شادی را بر عزا، صلح را بر جنگ، عدالت را بر ظلم و آزادی را بر سرکوب ترجیح می‌دهد و این ترجیحات به هر کدام از این مفاهیم ارزش و ضدارزش می‌بخشد، چنانکه هیچ گروه و حزبی خود را ذیل مفهوم ظلم‌خواهان و سـرکوب‌طلبان تعریف نمی‌کند. در چنین فضایی که مفاهیم بار ارزشی نسبتا مورد اجماعی دارند، آنچه فعل سیاسی هر فرد و گروهی را جهت می‌دهد نسبت این مفاهیم با موقعیت مورد استفاده آنهاست. چنانکه شعار صلح از سوی یک اشغالگر یا مطالبه جنگ از سـوی مردم شهری اشغال شـده می‌تواند جایگاه مفاهیـم را جابه‌جا کند. از همین رو اسـت که در منظومه سیاسی امیرالمومنین(ع) که خود راوی عبارت «انظُر الی ما قالَ و لا تَنظُر الی مَن قالَ» بوده، شاهد آنیم که در مواجهه با خوارج از عبارت «کلمه حق یراد بها باطل» استفاده می‌کنند. بر این مبنا توقف صرف بر مفاهیم، آن هم در جهانی که بار ارزشی مفاهیم جنبه ابزاری پیدا می‌کند و با نام صلح می‌توان چشم بر بزرگ‌ترین جنایات بست اقدامی ساده‌انگارانه به شمار می‌رود.

۲ «وحدت ملی» و فهم اینکه همه اعضای ملت ساکنان یک کشتی هستند و به رغم تفاوت‌های‌شان نهایتا در مواجهه با دشمنان‌شان یک سرنوشت را تجربه می‌کنند هم یکی از همان بدیهیاتی به شمار می‌رود که کمتر کسی حداقل به شکلی علنی آن را نفی می‌کند. با این حال شاید وزیر امور خارجه و مجموعه دولت حسن روحانی کمترین صلاحیت را برای گفتن این سـخنان داشـته باشند. برجام با همه فراز و نشـیب‌های آن بخش جدایی‌ناپذیری از تجربه ملی ایرانیان اسـت؛ تجربه‌ای که قطعا ده‌ها و صدها سال بعد و زمانی که تاریخ‌نـگاران به برهه کنونی رجوع کنند از آن به عنوان یک متغیر مهم یاد خواهند کرد، تجربه‌ای که دال مرکزی عمده اختلاف نظرها را شکل می‌داد و فراتر از آن عینی‌ترین نقطه اختـلاف ۲ رویکرد حاضر در جامعـه ایرانی برای مواجهه با بحران‌های زمانه‌شان شناخته می‌شود. اما در چنین نقطه‌ای آیا وزیر محترم امور خارجه و تیم او تلاش کردند تا به جامعه هدف خود پیام سکونت در یک کشتی را بدهند؟ به سختی می‌توان از جواب «نه» به این پرسش نیز اجتناب کرد و چشم بر این واقعیت بست که کلیدواژه «وحدت ملی» تنها یک اسم رمز برای فرار از پاسخگویی به خسارت‌هایی بود که آنها با این توافـق به کشـور وارد کردند. تقویم برجامـی ایران مملو از مناسـبت‌هایی است که روحانی و ظریف تلاش می‌کردند با جدا کـردن ملت از یکدیگر و قرار دادن آنها مقابل همدیگر فضای سیاسـی جامعه را به سمت مقصد خود هموار کنند. خلق واژه‌هایی همانند «کاسبان تحریم» و نسبت دادن آن به منتقدانی که بارها آبروی خود را برای جلوگیری از سوراخ شدن این کشتی در میان گذاشته بودند چه نتیجه‌ای جز قرار دادن بخشـی از مردم مقابل بخش دیگر داشت؟ استفاده از ده‌ها عبارت توهین‌آمیز با نیت تحقیر و بستن دهان منتقدانی که حتی شـکل و شیوه سـوراخ شدن این کشتی را پیش‌بینی می‌کردند چگونه با وحدت ملی قابل جمع است؟ دولتی که تمام پروژه سیاسی خود را با تعریف دیگر ساکنان کشتی به عنوان کسانی که مانع کامیابی مردم هستند جلو برده است، آیا صلاحیت استفاده از چنین مفاهیمی را در روزهای شکست پروژه‌اش دارد؟ اجازه بدهید جواب این پرسـش را به شـما واگذاریم!

۳ با همه این اوصاف نمی‌توان در گذشته متوقف ماند و چشم بر آنچه حال فعلی ما را شکل می‌دهد بست. طرح «تجربه تاریخی» به عنوان دستاورد اصلی مذاکره مستقیم با آمریکا از جمله نکاتی بود که رهبرانقلاب در همان نخستین روزهای آغاز مذاکرات هسته‌ای تیم جدید در سال ۹۲ به آن اشاره کردند؛ دستاوردی پرهزینه که البته در برهه زمانی فعلی، سرشار از تهی بودن ایده توسعه برونگرا و استراتژی عقب‌نشینی مقابل دولت آمریکا را عیان کرده اسـت. در این شـرایط اگر انباشت بحران‌هایی که حتی بازگشت به روزهای پیش از برجام را تبدیل به یک آرزوی جمعی کرده، بتواند باور به «سرنوشت مشترک» را برای تمام ساکنان کشتی خلق کند، می‌توان امید داشـت این تجربه پرهزینه و شرایط غیرقابل قبول در آینده تکرار نشود و متقابلا اگر مسببان این وضعیت با طرح چنین سخنانی موفق به تبرئه نتایج عملکردشان شوند، نمی‌توان چشم بر این واقعیت بست که امکان تکرار مجدد این تجربه باز هم وجود دارد. احیای همبستگی ملی و تعریف سرنوشت مشترک در مقابـل دیگری بیگانه‌ای که روزگاری نه چندان دور برای بزک کردن او مسابقه برگزار می‌شد راه عبور از موقعیت فعلی جامعه ایران است؛ راهی که پیش از هر چیز نیاز به ترمیم این کشتی و تغییر ناخدا دارد. مگر نه؟